

گفت و گو با داود موسایی
مدیر انتشارات فرهنگ معاصر



پرسی که به میلیون ها سؤال پاسخ داد



● محمدحسین دیزچی

اشاره

سؤال همیشه هست و هرگز هم تمامی ندارد. گاهی یک پرسش، تنها به یک جواب ختم می‌شود و گاه از دل آن، به هزاران پرسش دیگر هم می‌توان پاسخ داد. سی سال پیش، عابری از فروشنده‌ی کتاب پرسید: «آقا، ببخشید. این فرهنگ، لغت جدید و تازه هم دارد یا خیر؟»

فروشنده سرش را طوری تکان داد که نه پولی به جیب خودش رفت و نه کتابی عاید عابر شد. شخص سومی آن‌جا بود که این سؤال و جواب را شنید و لحظه‌ای به فکر فرو رفت. از خودش پرسید: «چرا باید سالیان سال یک فرهنگ لغت تجدید چاپ شود، بدون آن‌که کلمات، لغات و اصطلاحات جدید در دل آن جای بگیرد؟»

«زمان به پیش می‌رود. حرف‌های تازه به میان می‌آید. کسی باید این واژگان نو را ثبت و ضبط کند. کسی لازم است تا به پرسش‌های جدید، مکتوب و ماندگار پاسخ دهد. کسی باید دایره‌ی لغات نسل تشنه‌ی دانستن و آموختن را گسترش دهد تا اگر دوباره جوانی همان سؤال را تکرار کرد، فروشنده با لبخند پاسخ دهد: «بله فرزندانم این فرهنگ لغت که تازه دو ساعت است از چاپخانه به روی میز من آمده، به اندازه‌ی چند ماه نیاز به روزآمد شدن دارد. اما اطمینان دارم، در مقایسه با فرهنگ لغت کتابخانه‌ی پدر اندیشمند و

بزرگوارتان، چند گام جلوتر است.»

اگر آن شخص ثالث، سه دهه‌ی پیش از کنار آن سؤال و جواب به راحتی می‌گذشت، نسل امروز قریب به ۱۶۰ عنوان فرهنگ، لغت، دانش‌نامه و کتاب مرجع به زبان‌های فارسی، انگلیسی، عربی، فرانسه، آلمانی و امثال آن را پیش رو نداشت تا معنای میلیون‌ها واژه را از دل آن آثار جست‌وجو کند و جوابی مستدل و معتبر برای پرسش‌های خویش بیابد.

او که لحظه‌ای اندیشید، همان داود موسایی است. آن روز با چاپ فرهنگ انگلیسی به فارسی حییم آغاز کرد و امروز ده‌ها محقق، پژوهشگر، ادیب، مترجم و نویسنده، او را به عنوان مدیر «انتشارات فرهنگ معاصر» یاری می‌دهند تا هر روز فرهنگ تازه‌ای روی میز مطالعه‌ی من و شما باشد.

■ مؤسسه‌ی انتشارات فرهنگ معاصر چرا و چگونه شکل گرفت؟

نزدیک به ۳۰ سال پیش، با اندیشه‌ی نشر کتاب به عنوان یک ناشر عمومی قدم به این عرصه گذاشتیم. اوایل آثاری را مطابق با این دیدگاه روانه بازار کردیم. بعد از مدتی به این فکر افتادیم که ناشر عمومی در بازار فراوان است و ما باید در اندیشه‌ی یک کار تخصصی باشیم. در آن ایام کمبود آثار مرجع که روزآمد باشد، برایمان کاملاً محسوس بود. در سال‌های ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲ در، حوزه‌ی فرهنگ زبان و ادبیات فارسی، تنها فرهنگ‌های معین و عمید در میان فرهنگ‌های عمومی فارسی مطرح بود. البته «لغت‌نامه‌ی دهخدا» جای خودش را داشت. فرهنگ‌های دیگری هم کم و بیش در بازار بودند، اما به اندازه‌ی معین و عمید قابل توجه نبودند. بین فرهنگ‌های انگلیسی به فارسی و فارسی به انگلیسی هم یک دو مورد بیشتر قابل توجه نبودند و تنها منبع معتبر در این زمینه، «فرهنگ حییم» بود. بقیه‌ی فرهنگ‌ها بنا به گفته‌ی صاحب‌نظران، از نظر اعتبار علمی چندان قابل اعتماد نبودند.

■ امتیاز نشر فرهنگ حییم در آن دوران در اختیار کجا یا چه کسی بود؟

در سال ۱۳۵۹، امتیاز چاپ و نشر آثار زنده‌یاد سلیمان حییم، طی قراردادی به این‌جانب فروخته شد. پس از در اختیار گرفتن امتیاز آثار حییم و چند بار تجدید چاپ آن‌ها، فکر کردیم باید در این زمینه کاری اساسی انجام شود. برای عملی کردن افکارم در مورد روزآمد کردن فرهنگ‌ها، با توجه به روش و سنت فرهنگ‌نویسی رایج دنیا و با مشورت با صاحب‌نظران و کارشناسان زبان و زبان‌شناسی، تصمیم گرفتیم که این تغییر و تحولات و نوسازی را به دست کارشناسان فن و مرحله به مرحله پیش ببریم. البته مشکلاتی در این زمینه داشتیم که آرام آرام برطرف شدند.

■ اولویت بعدی پس از روزآمد کردن فرهنگ‌ها از نظر شما چه بود؟

گام بعدی این بود که سراغ تألیف و تدوین فرهنگ‌هایی برویم که از بنیان جدید و تازه باشند.

در سال ۱۳۵۹
امتیاز چاپ و نشر آثار
زنده‌یاد سلیمان حییم
طی قراردادی به این‌جانب
فروخته شد

بدیهی بود این کار را به کسانی سفارش بدهیم تا کار از اساس، محکم و اصولی باشد. بنابراین سازوکار را باید به‌گونه‌ای آماده می‌کردیم که هم فضای لازم در اختیار باشد و هم امکانات مالی آن مهیا باشد. از سوی دیگر، کار فرهنگ‌نویسی باید از وضعیت نگارش انفرادی درمی‌آمد. اصولاً نگارش، تألیف و تدوین کتاب‌های مرجع، کاری گروهی است. بنابراین ضرورت ایجاد می‌کرد، برای تحقق این کار در مؤسسه بخشی تحت عنوان واحد پژوهش فرهنگ معاصر راه‌اندازی شد. این واحد از اردیبهشت سال ۱۳۶۴ با تعدادی پژوهشگر در مؤسسه پایه‌ریزی شد و تا امروز در بخش زبان‌های فارسی، انگلیسی، عربی و فرانسه و حوزه‌های دیگر فعال است.

■ **واحد پژوهش مؤسسه‌ی شما تا امروز چه دستاوردهای ارزنده‌ای را به جامعه‌ی علمی، فرهنگی و ادبی کشور ارائه کرده است؟**

تا امروز قریب به ۸۰ عنوان کتاب مرجع از سوی واحد پژوهش انتشارات فرهنگ معاصر روانه بازار شده است که این تعداد، تنها نیمی از عنوان کتاب‌هایی است که ما منتشر کرده‌ایم. مهم‌ترین دستاورد این مؤسسه، ارائه‌ی فرهنگ‌های روزآمد و جدید به هم‌وطنان و دیگر مخاطبان مؤسسه است. در سال ۱۳۶۰، ما سراغ انتشار فرهنگ‌ها رفتیم. فعالیت چندانی در این حوزه نشده بود. اکثر فرهنگ‌ها نسبت به زمان خودشان قدیمی شده بودند. البته هر فرهنگ، در لحظه‌ی انتشار هم به روزآمد شدن نیاز دارد. به همین دلیل ضرورت تهیه و تدوین فرهنگ‌های جدید را همواره احساس می‌کنیم. همین انگیزه‌ها باعث شد به سراغ کار تخصصی برویم.

■ **جناب عالی اعتقاد دارید، کتاب‌های فرهنگ لغت در لحظه‌ی انتشار هم به روزآمد شدن نیاز دارند. چرا؟**

در حوزه‌ی کتاب‌های مرجع، وقتی کاری شروع می‌شود، از زمان تهیه و تألیف تا هنگامی که کتاب روی میز فروش می‌آید، مدت زمان زیادی طول می‌کشد. در این مدت به ویژه در دنیای امروز، تعدادی واژه‌ی جدید به پیکره‌ی زبان وارد می‌شود. به همین دلیل معتقدم این قبیل آثار در لحظه‌ی انتشار نیز به روزآمد شدن نیاز دارند.

خاطرم هست که در آن روزگار، بسیاری از مردم از ما می‌پرسیدند: «آیا فلان لغت جدید یا این اصطلاح تازه هم در فلان فرهنگ هست یا خیر؟» این قبیل پرسش‌ها در واقع حکایت از آن داشت که کتاب‌های مرجع باید جدید و روزآمد باشند. مردم خواهان آثاری هستند که نیازهای آنان را برآورده سازد.

■ **جایگاه فرهنگ‌ها، لغت‌نامه‌ها و دانش‌نامه‌ها را در عرصه‌ی آموزش یچگونه ارزیابی می‌کنید؟**

فکر می‌کنم شاه‌بیت گفت‌وگوی من و شما همین عبارت باشد. در دنیای امروز، سطح پیشرفت

تا
امروز حدود ۲۵
عنوان کتاب در سطح
دانش‌آموزان منتشر کرده‌ایم
که می‌تواند پاسخ‌گوی نیاز
آنان از پایه‌های اولیه‌ی
تحصیلی تا دیپلم
باشد

فرهنگ یک جامعه را بر مبنای انتشار آثار مرجع آن ارزیابی می‌کنند. بر همین اساس معتقدم، هر کدام از ما در جایگاه خود در این حوزه کوتاهی کرده‌ایم. قصد من این نیست که بگویم دولت، آموزش و پرورش، استادان، دبیران، خانواده‌ها یا جامعه‌ی ناشران هر یک به تنهایی قصور کرده‌اند. بلکه هر کدام از ما در این رابطه مقصر هستیم. جامعه‌ی ناشران که خود عضوی از آن هستیم، آن قدر اثر در این زمینه منتشر نکرده است که فرزندان ما بتوانند در حوزه‌ی کتاب مرجع دست به انتخاب بزنند. از سوی دیگر، استادان و معلمان نیز آن قدر تلاش نکرده‌اند که همین اندک آثار منتشر شده را نیز به بخش‌های آموزشی، دانش‌آموزان و دانشجویان معرفی کنند تا مخاطبان در حوزه‌ی فراگیری، خود را به اطلاعات شفاهی محدود نکنند و منابع و کتاب‌های مرجع را محور کار خود قرار دهند.

آموزش و پرورش هم در این رابطه می‌توانست بهتر عمل کند. اگر نظام آموزشی را طوری برنامه‌ریزی می‌کردیم که دانش‌آموز در زمینه‌ی فراگیری مباحث آموزشی به سراغ منابع و مراجع علمی می‌رفت، شاید این قدر ضرورت نداشت که معلم سر کلاس درس، بخش قابل توجهی از وقت کلاس را برای توجیه موضوعات و مسائل بدیهی صرف کند. این موضوع برای کشوری مثل ایران بسیار غم‌انگیز است که شمارگان کتاب‌های مرجع تا این حد پایین است.

من بارها در سفر به کشورهای گوناگون با خانواده‌ها و مردم آن کشورها در ارتباط بوده‌ام و از نزدیک مشاهده کرده‌ام، هر خانواده حداقل در کتاب‌خانه‌ی منزل خود، تعدادی کتاب مرجع دارد. گاهی ممکن است کتاب‌های مرجع آنان روزآمد نباشد، اما دست کم در هر خانواده تعدادی کتاب مرجع هست که افراد برای پاسخ‌گویی به نیازهایشان، به سراغ آن‌ها می‌روند. این در حالی است که ما برای جواب گرفتن، به پاسخ‌های شفاهی بسنده می‌کنیم و سراغ آثار مکتوب نمی‌رویم.

■ شما تا امروز در چه حوزه‌ها و زمینه‌هایی کتاب منتشر کرده‌اید؟

در حوزه‌ی زبان، آثار گوناگون و متنوعی را تا امروز منتشر کرده‌ایم. برای مثال، در حوزه‌ی زبان انگلیسی به فارسی و فارسی به انگلیسی، فرهنگ‌های متنوعی را تألیف و تدوین کرده‌ایم. از فرهنگ‌های دو جلدی تا فرهنگ‌های ویژه‌ی دانش‌آموزی و کودکان در میان آثار ما وجود دارد. همچنین براساس کاربرد و نیاز مخاطب نیز، تنوع آثار داریم. در مورد زبان‌های فارسی، فرانسه و عربی هم وضعیت به همین ترتیب است. از حیث تنوع مخاطب نیز، آثار ویژه‌ای برای کودکان، دانش‌آموزان، دانشجویان، دانشگاهیان و مترجمین ارائه کرده‌ایم. از زاویه‌ای دیگر، آثار ما در حوزه‌های تحقیقی متفاوت نظیر روان‌شناسی، رایانه، ادبیات، هنر، مهندسی عمران و سایر شاخه‌های علوم قابل تقسیم‌بندی و ارائه است.

■ آثار و کتاب‌های حوزه‌ی دانش‌آموزی در انتشارات شما از چه جایگاهی برخوردارند؟

مخاطب دانش‌آموز برای ما از جایگاه والایی برخوردار است. جایگاه کتاب‌های مرجع دانش‌آموزی

وسیع است. اما این ارزش و اعتبار، آن زمان کامل می شود که سایرین هم بخواهند به کتاب‌های مرجع حوزه‌ی دانش‌آموزی اهمیت بدهند و افراد و مسئولین مرتبط با این موضوع، مصمم به سامان‌دهی آن باشند. اگر آموزش و پرورش توجه به کتاب‌های مرجع را در زمره‌ی وظایف خود قرار دهد، به طور طبیعی، دانش‌آموزان هم از دبستان تا پایان متوسطه به این آثار و کتاب‌ها توجه خواهند داشت. وقتی آموزش و پرورش و معلم به این کتاب‌ها بها بدهند، دانش‌آموز نیز درک می‌کند که به ابزاری ارزشمند برای پاسخ‌گویی به سؤالات خود دست یافته است.

ما تاکنون فرهنگ‌های متنوعی برای پاسخ‌گویی به نیاز دانش‌آموزان ارائه کرده‌ایم. ما بنا داشتیم در این زمینه کار را توسعه بدهیم، اما با استقبالی که مورد نظر ما بود، روبه‌رو نشدیم. اگر نگاهی به وضعیت کتاب در نظام آموزش و پرورش سایر کشورها داشته باشید، متوجه این نکته خواهید شد که این آموزش و پرورش کشورها نیستند که برای دانش‌آموزان کتاب چاپ می‌کنند. بلکه ناشران آثار را چاپ می‌کنند و مدرسه‌ها و معلمان از آن میان دست به انتخاب می‌زنند و به دانش‌آموزان آثار مورد نیاز را معرفی می‌کنند.

تا امروز حدود ۲۵ عنوان کتاب در سطح دانش‌آموزان منتشر کرده‌ایم که می‌تواند پاسخ‌گوی نیاز آنان از پایه‌های اولیه‌ی تحصیلی تا دیپلم باشد. حتی در حوزه‌ی دروس تخصصی دانش‌آموزان هم، فرهنگ‌هایی برای رشته‌های فیزیک، شیمی، رایانه و ... تهیه و منتشر کرده‌ایم.

■ فرهنگ‌های منتشر شده توسط انتشارات شما هر چند وقت یک‌بار ویرایش و دوباره روانه بازار می‌شود؟

برنامه‌ی انتشارات ما بر این است که پنج یا شش سال یک‌بار، فرهنگ‌ها روزآمد شوند. البته باید عرض کنم که روزآمد شدن فرهنگ‌ها به طور کلی به مخاطبان، کادر همکاران و برخی از عناوین و کتاب‌ها بستگی دارد. در برخی کشورها، برای روزآمد کردن کتاب‌های فرهنگ عمومی یک دوره‌ی سه تا پنج سال و هر سه یا پنج سال یک‌بار، ویرایش جدیدی برای آن ارائه می‌دهند. ما هم سعی داریم همین رویه را دنبال کنیم که البته گاهی به دلیل برخی مسائل و مشکلات موفق نمی‌شویم و ناچار هر هفت یا هشت سال یک‌بار، این تغییرات را انجام دهیم.

■ کاربرد فرهنگ‌های لغات بیشتر در چه زمینه‌هایی است؟

فرهنگ لغت یک ابزار دانش است؛ ابزاری که همواره باید در دسترس مخاطب باشد. کتاب مرجع خوب مثل ابزار خوب است. از سوی دیگر، باید جامعه و قشرهای متفاوت مردم به این درجه از بینش و شناخت برسند که استفاده از کتاب مرجع در ارتقای سطح دانش و آگاهی اثرگذار است.

■ به نظر می‌رسد، والدین هم در میزان استقبال دانش‌آموزان از کتاب‌های مرجع و اهمیت دادن به آن نقش مؤثری دارند.

این صحبت شما را قبول دارم. آن‌ها هم باید برای فرزندان خود ابزارهای مورد نیاز را فراهم

کنند. در شرایط امروز که اینترنت قدم به خانه‌ها گذاشته است، ما نیز خودمان را باید به ابزارهای مورد نیاز مجهز کنیم. امروزه در خانه‌ی هر ایرانی وجود چند فرهنگ، دانش‌نامه و لغت‌نامه ضروری به نظر می‌رسد. وجود یک جلد فرهنگ لغت فارسی به فارسی، یک نسخه فرهنگ فارسی به انگلیسی و نیز یک نسخه فرهنگ انگلیسی به فارسی نیز در کتاب‌خانه‌های ما لازم است. اگر قدم به خانه‌ای ایرانی گذاشتید و شاهد حضور این کتاب‌ها در کتاب‌خانه‌های آنان بودید، باید بدانید که در کشورمان اتفاق فرهنگی بزرگی روی داده است.

البته در کنار والدین، نقش استادان، دبیران و معلمان را در گسترش فرهنگ استفاده از کتاب‌های مرجع نباید نادیده گرفت. به نظر می‌رسد استادان و دبیران ما، رغبت چندانی به آموزش و ترویج استفاده از فرهنگ‌ها و کتاب‌های مرجع به دانش‌آموزان ندارند.

■ فکر می‌کنید آثار دانش‌آموزی انتشارات شما، تا چه اندازه پاسخ‌گوی نیازهای امروزی این قبیله از مخاطبان است؟

باید عرض کنم، ما قادر هستیم تا ۹۵ درصد نیازهای مخاطبان، به ویژه در حوزه‌های خاص و ضروری برای دانش‌آموزان را برآورده سازیم. سعی ما بر این بوده است، کتاب‌ها و منابعی به دانش‌آموزان عرضه کنیم که فراتر از نیاز مدرسه و کتاب‌های درسی او را پاسخ‌گو باشند.

■ آثار حوزه‌ی دانش‌آموزی شما تاکنون چند بار تجدید چاپ شده‌اند؟

تعدادی از آن‌ها به طور مرتب تجدید چاپ می‌شوند، اما مهم‌تر از آن شمارگان چاپ است که در حد انتظار نیست و به نظر من در حد پایینی قرار دارد. شمارگان یک شیوه‌ی تبلیغاتی است. این که با چه شمارگانی کتاب را تجدید چاپ کنید، اهمیت دارد. اگر فرهنگ لغت دانش‌آموزی را در پنج هزار نسخه تجدید چاپ کنیم، خیلی مهم نیست. مهم این است شمارگان هر چاپ، رقم قابل ملاحظه‌ای باشد. فرض کنید یک فرهنگ دانش‌آموزی در سال دو یا سه بار چاپ می‌شود. این شمارگان اندک در مقابل چندین میلیون دانش‌آموز، رقم ناچیزی محسوب می‌شود.

■ شمارگان کتاب‌های حوزه‌ی دانش‌آموزی شما نسبت به سایر تولیدات انتشارات فرهنگ معاصر از چه جایگاهی برخوردار است؟

هر کتاب و اثری از نگاه من جایگاه خود را دارد. وضعیت آثار حوزه‌ی دانش‌آموزی ما هم خوب است، اما تا رسیدن به مرز استقبال واقعی از کتاب‌های مرجع، فاصله‌ی زیادی داریم.

■ نگاه مدارس، خانواده‌ها و دانش‌آموزان را نسبت به استفاده از کتاب‌های مرجع و انواع فرهنگ‌ها چگونه ارزیابی می‌کنید؟

همان‌طور که پیش از این اشاره کردم، دو نهاد خانواده و مدرسه باید بینش خود را نسبت به استفاده از فرهنگ‌ها، دانش‌نامه‌ها و کتاب‌های مرجع تصحیح کنند و به اهمیت آن بیش از پیش

ما قادر هستیم
تا ۹۵ درصد نیازهای
مخاطبان، به ویژه در
حوزه‌های خاص و ضروری
برای دانش‌آموزان را
برآورده سازیم

واقف شوند. اگر خانه و مدرسه به این نتیجه برسند که کتاب‌های مرجع جزو کتاب‌های ضروری دانش‌آموز محسوب می‌شود، می‌توان وقوع اتفاق مهمی در عرصه‌ی این آثار را به انتظار نشست. ■ به عبارت دیگر، باید این تفکر را در جامعه‌ی فرهنگی کشور، اعم از خانه و مدرسه، جا انداخت که اگر کتاب کمک‌درسی برای دانش‌آموزان اهمیت دارد، جایگاه کتاب‌های مرجع کمتر از آن نیست.

دقیقاً همین‌طور است که شما اشاره کردید. وقتی معلم به شاگردانش توصیه می‌کند، فلان کتاب کمک‌درسی را تهیه کنید و یا خانواده‌ها در صدد تهیه‌ی این نوع کتاب‌ها برای فرزندان خود هستند، باید به این نکته‌ی مهم هم توجه داشته باشند که کتاب‌های مرجع، پاسخ‌گوی بسیاری از سؤالات آن‌هاست. کتاب کمک‌درسی مهمان یک سال تحصیلی است، اما کتاب مرجع تا چند سال نیاز آنان را برآورده می‌سازد و از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

■ چه راهکاری برای توجه به این امر مهم در سطح جامعه، مدرسه و خانه دارید تا نگرش‌ها نسبت به استفاده از کتاب‌های مرجع بهبود پیدا

کند؟

فرهنگ خرید کتاب در اغلب خانواده‌های ما هنوز جا نیفتاده است. به محض آن‌که حرف از کتاب به میان می‌آید، خیلی زود واکنش نشان می‌دهیم و گرانی را مطرح می‌کنیم. گرانی تنها یک بهانه است. زیرا ما به خریدن کتاب علاقه نداریم. در صورتی که اگر به خرید کالایی علاقه داشته باشیم، آن کالا از نظر ما گران نیست. برای حل این مشکل، اولین قدم را باید آموزش و پرورش کشور بردارد. زمانی که مسئولان رده بالا در آموزش و پرورش باور نداشته باشند که کتاب‌های مرجع می‌توانند جایگاه ارزشمندی در نظام تعلیم و تربیت داشته باشند، هیچ اتفاقی نمی‌افتد. هرگاه آنان بپذیرند که کتاب مرجع، فرهنگ لغت، دانش‌نامه و نظایر آن‌ها، تأثیری عمیق در نظام آموزشی دارد، آن وقت می‌توان انتظار داشت که معلم، دانش‌آموز و خانواده‌ها به استفاده از فرهنگ‌ها رو بیاورند.

از سوی دیگر، هر کاری لذت خاص خودش را دارد. کسی که با فرهنگ لغت و کتاب‌های مرجع سروکار دارد و لذت آن را چشیده است، خوب می‌داند چگونه از کتاب مرجع برای رسیدن به هدفش بهره ببرد. باید دانش‌آموز این لذت را احساس کند و از این طریق بر دانسته‌های خود بیفزاید تا به اهمیت استفاده از فرهنگ پی ببرد. ما باید این تصور را کنار بگذاریم که در مورد همه چیز آگاه و دانا هستیم. هر کسی باید بکوشد در حوزه‌ی خودش، نکته‌ها را یاد بگیرد و برای فراگیری آن چه نمی‌داند، فرهنگ‌ها، واژه‌نامه‌ها، دانش‌نامه‌ها و کتاب‌های مرجع را جست‌وجو کند.

■ یک فرهنگ لغت ویژه مخاطب کودک و نوجوان، چه تفاوت‌هایی با فرهنگ‌های

حوزه‌ی بزرگ‌سالان دارد؟

کتاب
کمک‌درسی مهمان
یک سال تحصیلی است
اما کتاب مرجع تا چند سال
نیاز آنان را برآورده می‌سازد و
از جایگاه ویژه‌ای برخوردار
است

اولین نکته این است که دایره‌ی لغات مورد استفاده‌ی کودک و نوجوان نباید فراتر از حوزه‌ی تعریف شده‌ی درسی، و روزمره برای این مخاطبان باشد. دایره‌ی لغات پرسامد کودک بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ واژه بیشتر نیست. دانش‌آموز نیز در زندگی روزمره با دو هزار واژه‌ی مهم و اساسی بیشتر سروکار ندارد. دبیرستانی‌ها هم در نهایت به پنج هزار واژه‌ی پرسامد بیشتر نیاز ندارند. اولین مسئله‌ی مهم در این رابطه، انتخاب مدخل برای آن حوزه‌هاست. نثر و شیوه‌ی تعریف فرهنگ‌نویسی فرهنگ ویژه‌ی کودک و نوجوان هم باید در حد فهم و درک این گروه از مخاطبان باشد. آرایش کتاب، قطع، اندازه و نوع فونت، کاغذ مناسب، استفاده از تصاویر، وزن و حجم کتاب و مواردی نظیر این نیز مهم است. کتاب ویژه‌ی کودک باید چشم‌نواز باشد و مخاطب را به سمت خود جذب کند.

■ به عنوان حسن ختام این گفت‌وگو، لطفاً بفرمایید چه تدبیری باید اندیشید تا کتابخانه‌های مدارس به ضرورت وجود منابع مرجع، فرهنگ‌ها و دانش‌نامه‌ها پیش از پیش واقف شوند و فرصت مطالعه‌ی آن آثار را برای دانش‌آموزان فراهم کنند؟

آموزش و پرورش باید در درجه‌ی اول، برای تجهیز کتابخانه‌ها اهمیت قائل باشد. کاری که ما می‌توانیم انجام بدهیم، یک حرکت کند و مقطعی است. مراجعه‌ی ما به مدرسه‌ها و معرفی کتاب‌های مرجع، حرکتی بسیار تدریجی است. در حالی که اگر آموزش و پرورش خودش این ضرورت را احساس کند، شرایط آن را هم فراهم خواهد کرد. آموزش و پرورش باید بودجه‌ی لازم را برای خرید کتاب‌های مرجع در اختیار کتابخانه‌های مدارس قرار بدهد. البته معلمان هم باید تلاش کنند و بخواهند تا تعدادی کتاب مرجع برای کتابخانه‌های آنها تهیه کنند.

در مجموع باید همه‌ی دلسوزان فرهنگ کشور به این ضرورت برسند که کتاب مرجع، چراغ و راهنماست. صداوسیما در فیلم‌ها و سریال‌های خود می‌تواند این نکته را با ظرافت تبلیغ کند. خیرین و نیکوکاران جامعه هم می‌توانند در اهدای کتاب به کتابخانه‌ها، فرهنگ‌ها، دایرة المعارف‌ها و کتاب‌های مرجع را نیز لحاظ کنند. توجه به این امر مهم مختص یک یا چند ناشر نیست و نیازمند حرکتی عمومی و توجه همگانی است.

■ با تشکر از شما که فرصت این گفت‌وگو را برایمان فراهم کردید.

